**نامه های ناصرالدین شاه به آقاخان نوری**

**فرزانه پور، غلامرضا**

جناب صدر اعظم امروز چه میکنید قسمت خوب کرده بودید مستوفیها تماشا داشت،البته‏ از احوالات امروزتان بنویسید.کاغذهای سردار را خوانید1البته جوابی که سکوت عمل آورد بنویسید.در باب نهر سلطانی قم،یعنی حوض سلطان،سردار نوشته بود،صحیح نوشته بود،من‏ مکرر گفتم آنجا را بسازند و راه بیندازند،گویا پیش نرفته،البته سعی کنید تمام شود آب‏ جاری شود.

مشهد رفتن ما چه شد،بنویسید،از مشهد چه خبر دارید؟در باب ده هزار تومان هرات‏ دستور العمل را بمعیر بدهید.اگر این معیری که میرود آن جا بماند همیشه باسم معیری،چنانچه‏2 در همه ولایات که سکه میزنند،هست.چطور است.گویا ماندن و اقامت یک نفر معیر در هرات بسیار خوب است.

کسر سرباز فرج افشار ساو جبلاغی ابو الحسن سلمان خان قرار بوده از سحاری(؟)حول و حوش‏ طهران بگیرند و گرفته بودند.پیش از این مقدمه در طهران حاضر بودند بعد ازین مقدمه جمیعا قرار کرده‏اند و هرزگی کرده بسیار لازم است که اکثری از این سرباز چنان تنبیه شوند که بمیرند و ریش‏ سفیدان هم جریمهء معتنابهی بدهند.

XI

جناب صدر اعظم حالا چه میکنید چه هست چه نیست البته بنویسید مطلع باشم.چون زیاد مطلبی نبود اکتفا شد.و السلام.

XII

جناب صدر اعظم وزیر مختار روس چه میگفت،چکار داشت،البته بنویسید مستحضر باشم امضاء

XIII

جناب صدر اعظم آجودان باشی عریضهء نوشته بود،پارهء اسامی نوشته بود نفهمیدم گرفته‏اند اینها را یا باید گرفت؛و دو تا کاغذ هم از حاجی سلمان فرستاده بود،این اسامی اگر گرفته نشده‏ باشند بنویسید همه را بگیرند.این حضرت بصیر و صبح ازل گور بگور را هم بگویید بروند و دست‏ بسته بیاورند انشاء اللّه.کتاب دعا و قرآن را بدهید بیاورند هر وقت این قضیه به خاطرم میرسد و اللّه‏ از ایران بلندن میخواهم بروم.امضاء ناصر الدین شاه

IXV

جناب صدر اعظم حسن و قبح رفتن طمسون را از این مملکت بگویید مختصرا باذن شما اهالی مجلس بنویسند بحضور بفرستید.زود بنویسند،میخواهم بخوانیم.و السلام.

VX

جناب صدر اعظم کاغذ مفصل شما رسید از گزارشات استحضار حاصل شد.اولا قاسم خان و مال‏ها فردا صبح زود البته البته بروند.سروستان را هم خالی کنند،بگولوله ریزی بروند انشاء اللّه.

(1)-در اصل:خاندید.و هم‏چنین در موارد بعدی.

(2)-بمعنی چنانکه بکار رفته.

این معدنچی شنیدم تعهد کرده که آهن را آب کند در...1اسلحه بشود بسیار خوب است.

فرمان علی خان قیراط را هم امروز بنویسند برود.کاغذهای بغداد و میرزا جعفر خان را هم هر وقت آوردند و خواندید همان ساعت بدهید بیاورند پیش.من فرامین عبد الحسین خان جوانشیر و خان عمو را هم ملاحظه کردم انشاء اللّه فورا هر دو بروند.آن شب در باب محمدحسن رخت‏دار چیزی‏ گفتید نمی‏دانم رفته بود یا نرفته بود.

من حالا میخواهم بروم بحمام بجهت دنبل و امشب هم خانه هستم شما هم امشب زودتر بروید خانه و انشاء اللّه فردا عصری بیایید زن و بچه را هم انشاء اللّه بیاورید.

وزیر روس اگر حرف عمده داشته باشد بنویسید.

XVI

جناب صدر اعظمی حالا چه میکنید.انشاء اللّه احوالتان خوب است نمیدانم تمسون آمد یا نه. از احوالات بنویسید مستحضر باشم.الحمد اللّه احوال ما خوب است.نمی‏دانم کی میتوانید اینجا بیایید.

XVII

جناب صدر اعظمی چاپاری که دیروز از فارس آمده بود،البته تا بحال نوشته‏جات شاه‏زاده را را ملاحظه کرده‏اید که جوابش را با این چا[ پار ]پانزدهم بنویسند.عریضهء که بما نوشته بود حالا میرزا بابا آورد،خبر هرات داد که لازم است با همین چاپاران را 15 جوابش را بنویسند.لهذا عریضهء شاهزاده را معجلا روانه کردیم که ملاحظه کرده در ملفوفهء فرمان احکام اکیده در هر فقره‏ صادر شود.

اولا نوشته است که بعد از فوت شیخ سیف سید سعید خان امام مسقط پسرش را به بندرعباس‏ فرستاد اگر حقیقت داشته باشد این فقره بسیار بد است حکما باید شاهزاده او را از بندرعباس‏ بدواند و همان شیخ سعید را حاکم نماید.

و نوشته بود که اگر لازم شد او را بدوانم؛اولا یک فوج محران(؟)این‏جا هست فوج دیگر زود روانه کنند لیکن نه فوج کمره؛فوجی باشد که کارسازی بشود.راست نوشته.فوج کمره عوض‏ چهار فوج سابق فارسی را پر نمی‏کند فوج دیگری بفرستد که پر مشق و خوب باشند و زودتر بفرستد و آن فوجی که محران است(؟)شکلش بد است از این‏جا باید بزودی تفنگی بار کرده بفرستید و آن تفنگ‏ها را بیاورند طهران،در جبه خانه یک جور کند.

در باب قباد خان بنویسند حکما بگیرند در هر جا هست آمدن پسر سعید بسیار بسیار بد است.با این چاپار پانزدهم مجمع دنیا باید کاغذ بنویسید خصوصا به احتشام الدوله که ممالک او از جمع دنیا هرزه‏تر است لرستانی،بخاری،اعراب بدوی.

XVIII

دیشب که شب یکشنبه هفدهم شهر ربیع الاول است یعنی شب عید مولود پیغمبر صلوات‏ اللّه علیه و آله بود،در خواب دیدم باغی است،یک درخت کاج قوی هیکل بلندی در باغچه است، من از دور تماشا میکنم و اسم این درخت و کتوریاست و در حقیقت این درخت مملکت و پادشاه‏ انگلیس است.

من گفتم آمدند این کاج را که وکتوریا بود از ریشه کند و بردند باغچه دیگر کاشتند و گفتم اسمش را محمد بگذارید،وکتوریا بد است.

(1)-درین جا کلمه‏یی هست که«نالچ»بنظر می‏آید.

IXX

جناب صدر اعظمی حالا شنیدم احوال شما ناخوش است،دیشب الحمد اللّه ناخوشی نداشتید،چه‏ باعث شده و چه ناخوشی است؟و دو کلمه از سلامتی احوالتان بنویسید خاطر جمع باشم.در باب‏ تشریفاتی ایلچی روم باتمام رسانیدید یا نه؟شنیدم وزیر مختار روس نزد شما می‏آید،یعنی کاغذ قزاق‏1را خواندم،اگر احوالاتی‏2باشد بنویسید.و السلام.

بشهر کی باید رفت،میرزا سعید خان و چاپار را البته امروز روانه کردید.

امضاء ناصر الدین شاه

XX

جناب صدر اعظم تا بحال در باب خانه فتح اللّه میرزا چه کرده‏اید و آدم طمسون هست یا نه؟ زودتر بنویسید که استحضار از این فقره لازم است.سنه 1270.

XXI

جناب صدر اعظم از وقتی که از پیش من رفتید تا بحال چه می‏کنید البته بنویسید مستحضر شوم چه هست،چه نیست؟در چه فکرید؟در چه کارید؟و السلام.شهر ذیقعده الحرام 1268.

XXII

جناب صدر اعظم کتابچه را بتفصیل ملاحظه کردم بسیار بسیار درست و با اسلوب نوشته است، خیلی خوب و فهمیده نوشته شده است.شما مکرر این تفاصیل را عرض کرده‏اید و خودتان درست‏ فهمیده‏اید،حال واقعا باید منتظر این دو ایلچی هد ببینیم چه نحو گفتگو میکنند،بعد از آن‏ بزودی تکلیف ما در هر خصوص معلوم خواهد شد.علی العجاله هیچ کار نمی‏توان کرد و توکل باید بخداوند عالم و بزرگان دین نمود.و السلام.

XXIII

جناب صدر اعظم دو طغرا نوشتهء طمسون صاحب ملاحظه شد.در باب خانهء فتح اللّه میرزا که‏ به آن‏طور نوشته بود معلوم شد.حالا شنیدم آدمهایش را از سر خانه برداشته است و در مراسله‏ نوشته بود که آدمهای من آن جا خواهند نشست.دو خبر متناقض بود.جوابش را هر وقت نوشتید بفرستید ملاحظه کنم و موافق عقل سست نگیرید.در کاغذش بی‏ادبی هم کرده بود بسیار بسیار. و السلام،1270.

(1)-در اصل:غزاق.

(2)-به جای«احوال»